

ماجرای دختری که دسترنج مادرش را بر باد داد

اشتباه پشت اشتباه مسافر لانه سیاه

صدیقی

در دام احساس و عاطفه یک پسر خوش خط و خال افتاد و آینده سیاهی را برای خودش رقم زد. خواست به اصطلاح حساب تکیه گاهش را با حاصل دسترنج مادرش پر کند اما خبر نداشت که با این کارش حساب آبرو و حیثیت خودش را خالی می کند؛ اشتباه پشت اشتباه. دختر در تله افتاده بعد از دستبرد به پس انداز مادرش از زیر چتر خانواده خارج می شود و به سوی تاریکی فرار و روزهای تلخ و دردناکی را در کارنامه زندگی اش ثبت می کند.

دخترک جوان بعد از فوت پدرش احساس پوچی و تنهایی می کند به همین دلیل به دنبال کسی می گردد که تکیه گاهش باشد و در زمان تنهایی همدم او شود. مادر دختر نگوین بخت بعد از فوت شوهرش خیلی در تنگنا قرار می گیرد و مجبور می شود برای سیر کردن شکم خود و فرزندانش برای مردم کارگری کند. دختر رنگ به رخسار نمانده می گوید: مادرم شب ها به خاطر کار زیاد چنان از درد به خودش می پیچید که مجبور می شد برای آرام کردن دردش مواد مصرف کند تا بتواند خودش را سرپا نگه دارد. دختر که آن موقع ۱۳ سال بیشتر نداشت در مسیر مدرسه با یک پسر حراف و چرب زبان آشنا می شود. اوایل دوستی دختر با پسر حيله گر بیشتر تلفنی و نه از قرار خبری بود و نه از دور دور کردن و آن ها فقط جلوی مدرسه یکدیگر را ملاقات می کردند. چند سال به این منوال می گذرد تا این که دختر پا در سن ۱۷ سالگی می گذارد و رفته رفته رابطه شان شکل و شمایل دیگری به خود می گیرد. او درباره چگونگی افتادن در دام پسر شیطانی می گوید: بعد از این که رابطه مان گرم شد روزی او یک برگه به من نشان داد که در آن به شخصی بدهکار بود رو به من گفت اگر جای حساب را پر نکند سر و کارش با زندان است. پسر حقه باز با کمی چاشنی التماس و بازی با الفاظ کشنگ از من خواست کمی پول برای او جفت و جور کنم. من که خیلی به او وابسته شده بودم عقل ام کار نمی کرد و چشم بسته فقط می خواستم به او کمک کنم. روزی پنهانی کمی از پس اندازهای مادرم را که با بدبختی و کارگری به دست آورده بود برداشتم و به پسر مورد علاقه و به اصطلاح تکیه گاهم دادم. دختر تنها و درمانده بی خبر از همه جا حاصل دسترنج مادرش را از دو دستی تقدیم پسر حيله گر می کند وبعد از آن دیگر خبری از آن پسر نمی شود و حتی جواب تلفن اش را هم نمی دهد و با خاموش کردن گوشی اش به طور کلی خودش را

ناپدید می کند. چند صبحاى از رو دست خوردن دختر تادم از پسر مورد علاقه اش می گذرد تا این که مادرش بی خبر از ماجرا تصمیم می گیرد عازم سفر زیارتی شود. دختر در مانده که قطره های اشک روی گونه هایش می غلند تعریف می کند: می دانستم که مادرم روی پس اندازش که من به باد داده بودم حساب باز کرده است و از ترس عکس العمل او بدون فکر از خانه و روستای مان فرار کردم و به شهر رفتم. داخل شهر تک و تنها و غریب بودم و نه جایی برای رفتن داشتم و نه پولی برای خرید چیزی و بی هدف در خیابان ها پرسه می زدم تا این که کم کم هواتاریک شد. دیگر رمقی در پاهایم نمانده بود. ماشین های زیادی جلوی پایم ترمز می کردند و من هم بی اعتنا به بوق زدن های کر کننده شان همچنان به راهم ادامه می دادم. وقتی حسایی خسته شدم، به سیم آخر زدم و تصمیم گرفتم با اولین بوق یک ماشین عبوری سوار آن شوم. چند دقیقه ای گذشت تا این که یک ماشین عبوری که راننده میان سالی داشت جلوی پایم ترمز کرد و من هم بدون گفتن کلمه ای سوار ماشین شدم.

بعد از چند دقیقه ماشین جلوی خانه زهوار در رفته ای در حاشیه شهر توقف می کند و دخترک از خودرو پیاده می شود و پا در خانه شیاطین می گذارد. در داخل اتاق تعدادی زن و مرد دور هم جمع شده‌اند و سرشان گرم مصرف مواد است که در این لحظه با ورود دختر جوان همه نگاه ها به سوی او می چرخد. دختر وحشت کرده بدون کوچک ترین حرفی در گوشه ای از اتاق کز و به خاطر پادرد آهسته زیر لب تاله می کند. بیخ خجالتی بودن دختر با گرمای دود مصرف کنندگان باز می شود. او آهسته کنار زنان می رود و چند دود مهمان آن ها می شود و بعد از آن به خاطر خستگی زیاد در خواب عمیقی فرو می رود. دختر جوان با چشمانی پر از اشک می گوید: زمانی که از خواب بیدار شدم خبری از آن چند زن شب قبل نبود و به جای آن ها چند مرد در صحنه مشغول مصرف مواد بودند. با دیدن چند مرد شیطان صفت وحشت تمام وجودم را فرا گرفت و خواستم به بهانه ای از آن جا فرار کنم اما بی فایده بود. در وضعیت بدی به سر می بردم و تمام تنم درد می کرد و مجبور شدم دوباره مواد مصرف کنم. مدتی به این منوال گذشت و به خاطر بی سرپناه بودن مجبور بودم تن به هر کار خفت باری بدهم. دختر طاقتش از آن وضعیت ناهنجار طاق می شود و تصمیم می گیرد از آن جا فرار کند اما به مقدمه چینی و جلب اعتماد مردان گرگ صفت احتیاج دارد. بعد از چند روز کم کم

اعتماد آن ها را جلب می کند و مردان هوس ران نیز از دختر می خواهند که مقداری مواد به دست یک مصرف کننده برساند. دختر غم زده این فرصت را غنیمت می شمرد و با مقداری مواد از آن خانه شیطانی بیرون می آید. او با دلی چرکین می گوید: زمانی که پایم را از آن خانه بیرون گذاشتم به یاد مادر پیرم افتادم چون خیلی دلم برایش تنگ شده بود و به خاطر همین از طریق یک تلفن عمومی با خانه تماس گرفتم. نزدیک یک ماه بود که از خانواده ام دور بودم و وقتی صدای مادرم را از پشت تلفن شنیدم بی اختیار زیر گریه زدم. بعد از چند دقیقه گریه و زاری ناگهان دامادمان گوشی را از مادرم گرفت و از من آدرس پاتوق را پرسید اما من از شدت خجالت گوشی را قطع کردم. بعد از آن ماجرا بین دوراهی گیر به راهم ادامه می دادم. وقتی حسایی خسته شدم، به مادرم برگردم. در همین افکار پریشان غوطه ور بودم که دوباره درد خماری سراغم آمد. بی هدف در خیابان به همراه مواد امانتی پرسه می زدم تا جای مناسبی را پیدا کنم. در همین حال و هوا با چشمان بارانی به یاد اشک های مادرم بودم که چطور التماس می کرد به خانه برگردم که توسط پلیس دستگیر شدم. دختر آواره بعد از این ماجرا با لو دادن مردان هوس ران از رفتن به خانه خودداری کرد چون به گفته خودش روی برگشتن نزد خانواده اش را نداشت. او بعد از این اتفاقات دردناک که آینده اش را با تکرار اشتباهات ویرانگرش دود کرده بود از سوی یک نهاد دولتی مورد

حمایت قرار می گیرد تا دوباره بعد از بازسازی روح و جسم اش نزد خانواده اش برگردد و زندگی آرامی را در پیش گیرد.



دروغ پردازی زن جوان برای تجربه هیجان

صدیقی- زن جوان برای خلاصی از زندگی یکنواخت مشترک شان دست به اقدام عجیبی زد. او فکر می کرد با دروغ پردازی برای مدتی به زندگی اش هیجان تزریق می کند اما خبر نداشت تیشه به ریشه زندگی مشترکش می زند. بنا بر اظهارات زن جوان، ماجرا از این قرار است که او بعد از ازدواج زندگی آرامی را با همسرش تجربه می کند. زن جوان که در زندگی مشترکش احساس کمبودی نمی کند به اصطلاح خوشی زیر دلش می زند و به این فکر می افتد که با طرحی خود ساخته مدتی به زندگی مشترکش هیجان تزریق کند. او و یکی از دوستان به ظاهر خیرخواهش روزی یک طرح ساختگی را با عنوان ضرب و شتم زن جوان از سوی همسرش طراحی می کنند و آن را به گوش خانواده اش می رسانند.

خانواده زن جوان ابتدا موضوع را جدی نمی گیرند چرا که دامادشان را در این حد خشن نمی بینند و بدون گلابه از دامادشان دخترشان را به آرامش و خویشتن داری دعوت می کنند اما زن جوان که گویا از آرامش زیاد زندگی مشترکش خسته شده است با دیدن جار و جدل های برخی زوج های دیگر به نوعی وسوسه می شود تا با تکرار اتهامات واهی اما کنترل شده علیه همسرش خانواده اش را تحریک کند و بعد از مدتی با گفتن این که تمام آن ها یک شوخی بوده سر و ته ماجرا را هم آورد ولی از چاهی که داشت برای زندگی مشترکش می کند غافل بود. دوباره روزی کمی با ایجاد خراش کوچک روی گونه هایش هراسان سراغ خانواده اش می رود و ادعای ضرب و شتم اش را از سوی همسرش تکرار می کند تا عکس العمل آن ها را ببیند. پدر زن جوان بی خبر از ماجرا فریب حرف های دخترش را می خورد و برای ادب کردن دامادش از دخترش می خواهد مهریه اش را به اجرا بگذارد تا در خیال خودش داماد خطاکار را به زانو درآورد وبعد از آن هم با گرفتن تعهد آن ها را سرزندگی مشترک شان برگرداند. داماد بی خبر از همه جا زمانی که با احضاریه دادگاه مواجه می شود رنگ در رخسارش نمی ماند و در شوک بزرگی فرو می رود. وقتی علت را از همسرش جویا می شود پدر همسرش وارد میدان می شود و دلیل درخواست مهریه را ضرب و شتم دخترش از سوی او قلمداد می کند. مرد جوان که شوکه شده است همه ادعای زنش را دروغ اعلام می کند و از همسرش می خواهد دلیل واقعی را بیان کند. زن جوان وقتی می بیند اوضاع دگرگون شده به ناچار لب به اعتراف می گشاید و راز دروغ گویی اش را فاش می کند. با اعتراف زنات این بار شوهرش بابت دروغ گفتن های زنش شاک می شود و دادخواست طلاق می دهد تا او زنش را ادب کند. زن جوان می گوید: کاش خام حرف های دوستم نمی شدم و با دروغ پردازی به دنبال هیجان کاذب نمی رفتم. الان هم به دادگاه خانواده آمده ام تا با ابراز ندامت با کمک مشاوران نظر شوهرم را عوض کنم و زندگی مشترکم را از خطر سقوط نجات دهم.

تنگر

جرم جعل سند

در تعریف جرم جعل می توان گفت که عبارت است از ساختن یا تغییر آگاهانه نوشته یا سند، ساختن مهر یا امضای اشخاص رسمی یا غیررسمی، خراشیدن، تراشیدن، قلم بردن، الحاق، محو، اثبات، سیاه کردن یا دست بردن بدون اجازه صاحب آن به قصد جازدن آن به عنوان اصل برای استفاده خود یا دیگری و به ضرر غیر.

ساختن نوشته یا سند

سند عبارت است از نوشته ای که در مقام اقامه دعوی یا دفاع از آن قابلیت استناد دارد. البته باید توجه داشت برای این که نوشته ای سند محسوب شود نیاز نیست از آن نوشته در دادگاه استفاده شود بلکه باید آن نوشته قابلیت استناد داشته باشد.

برای مثال شخصی به دیگری مبلغی وجه دستی می دهد و در مقابل از او رسید دریافت می کند. این نوشته اگر به امضای طرف رسیده باشد، قابلیت استناد دارد و سند محسوب می شود هر چند بین این دو نفر اختلافی حاصل نشود و به مراجعه به دادگاه نیازی نباشد و این رسید صرفاً برای یادآوری مبلغ دریافت شده باشد.

سند بر دو نوع است؛ رسمی و عادی. سند رسمی نوشته ای است که توسط مأمور دولت با رعایت تشریفات قانونی و در حدود صلاحیت مأمور تنظیم شده باشد مانند گذرنامه یا شناسنامه، چنان چه نوشته ای فاقد هر یک از این شرایط باشد، در صورتی که به امضای طرف رسیده باشد سند عادی محسوب می شود مانند چک، سفته و اجاره نامه های عادی.

باید توجه داشت که صرفاً تایپ شدن یک نوشته یا نوشتن در سربرج های دولتی موجب رسمی شدن سند نمی شود.

برای مثال چک یک سند عادی محسوب می شود زیرا اگر چه توسط بانک چاپ می شود و در اختیار مشتری قرار می گیرد اما مفاد آن توسط مأمور دولت تنظیم نمی شود، بلکه این کار توسط صاحب حساب انجام و در پایان توسط او امضا می شود.

براینراين چون چک یکی از شرایط تعريف سند رسمی را ندارد (توسط مأمور دولت تنظيم نمی شود)، سند عادی محسوب می شود.

در موارد جعل اسناد، جاعل مبادرت به ساختن یک نوشته یا سند اعم از رسمی یا عادی می کند مثلاً به ساختن یک شناسنامه، گواهی نامه، گذرنامه، دانشنامه، اجاره نامه، وصیت نامه، قولنامه و مانند این ها دست می زند.

معاونت فرهنگی دادگستری کل خراسان شمالی

مزایده (نوبت دوم)

به اطلاع می رساند دهیاری های روستاهای بخش مرکزی به شرح

ذیل در نظر دارد ماشین آلات خود را براساس قیمت پایه کارشناسی

از طریق مزایده عمومی به فروش برساند .
از متقاضیان دعوت می شود

ضمن بازدید و رعایت شرایط شرکت در مزایده پاکت پیشنهاد قیمت خود را از مورخ

۰۳/۰۷/۹۸ الی ۰۷/۱۷/۹۸ به آدرس: بجنورد- بلوار دولت - فرمانداری بجنورد- حراست

آقای ربانی تحویل دهند .

ردیف	نام روستا	نوع خودرو	شماره انتظامی	سال تولید	شماره موتور	شماره ناسی	قیمت پایه کارشناسی (میلیون ریال)
۱	علی آباد	کامیونت نیسان	۲۶ / ۱۴ب۱۵۴	۸۹	۵۳۸۳۱۳	۲۴۵۶۲۵	۴۲۰
۲	خداقلی	وانت نیسان	۲۶ / ۱۷ب۴۴۲	۸۹	۵۵۱۰۴۷	۲۵۷۶۱۴	۴۳۰
۳	بیدک	کامیونت زامیاد	۳۲ / ۲۳ب۳۱	۸۸	۲۴۴۷۱۷۰۸	۲۰۱۶	۵۷۰
۴	سروان عاشقان	تراکتور ITM	۲۶ / ۱۲ب۲۹۱	۹۳	B9۱۲۶۷LFW	۰۴۵۸۴	۵۵۰
۵	درصوفیان	بکیو لودر	فاقد پلاک	۹۱	۴۷۴۰۲۶	۳۹۰۰۸۰	۱۷۵۰

شرایط شرکت در مزایده :

۱.دهیاری در رد یا قبول هر یک یا تمام پیشنهادات بدون آنکه احتیاج به ذکر دلیل باشد ، مختار بوده و درصورت لزوم می تواند مزایده را باطل کند .

۲- روز بازگشایی پاکت های قیمت مزایده ، مورخ ۰۷/۲۰/۹۸ می باشد.

۳- شرکت کنندگان جهت بازدید به بخشداری مرکزی مراجعه نمایند.

۴- پیشنهاد دهندگان مبلغ ۵٪ قیمت پیشنهادی را به عنوان ضمانت نامه شرکت در مزایده در پاکت پیشنهاد قیمت ارایه دهند .

۵- تأمین هزینه های درج کارشناسی ، درج آگهی و انتقال سند و بیمه به عهده برنده مزایده می باشد .

۶-برندگان مزایده بایستی حداکثر ظرف مدت یک هفته از اعلام نتیجه مزایده اقدام به پرداخت بهای پیشنهادی خود نماید و درصورت عدم مراجعه ظرف مدت مقرر دهیاری حق دارد ضمن ضبط سپرده شرکت در مزایده از برنده بعدی دعوت به عمل آورد .

دهیاری های روستاهای بخش مرکزی شهرستان بجنورد

م.الف/۰۹۱۳۴۶

اداره کل امور عشایر خراسان شمالی

م.الف ۶۱۲۴۹۱

کارت دانشجویی

به شماره ۹۷۲۲۰۲۴ متعلق به مریم نظامی رشته هوشبری کارشناسی پیوسته از دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

۹/۹۸۰۸۸۲۹۷

کارت دانشجویی

به شماره ۰۵۱۰۵۱۲۲۲۰۹۴ متعلق به ندا ایزانلو دانشجوی رشته مهندسی نرم افزار دانشگاه کوثر بجنورد مفقود و اعتبار ندارد.

۹/۹۸۰۸۸۱۲۶



اداره کل امور عشایر خراسان شمالی

اداره کل امور عشایر خراسان شمالی در نظر دارد مناقصه عمومی همزمان با ارزیابی کیفی(فشرده)

عملیات تکمیل مجتمع آبرسانی به محلات عشایری گلیل شهرستان شیروان را به شماره فراخوان

۵۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۳۸۳۰۲۹۰ از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید.کلیه مراحل برگزاری

مناقصه از دریافت اسناد تا ارائه پیشنهاد قیمت مناقصه گران و بازگشایی پاکتها از طریق درگاه سامانه مذکور به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد.لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضاء الکترونیکی جهت شرکت در مناقصه را محقق سازند.

تاریخ انتشار اسناد مناقصه در سامانه : ۰۸/۰۷/۱۳۹۸ ساعت ۱۴

*** مهلت دریافت اسناد مناقصه از سامانه : ۰۸/۰۷/۲۳ ۱۳۹۸ ساعت ۱۹**

• مهلت ارسال پیشنهادات : ۱۳/۰۸/۱۳۹۸ساعت ۱۳

*** زمان بازگشایی پاکتها : ۱۴/۰۸/۱۳۹۸ ساعت ۹:۳۰ صبح**

• مبلغ برآورد : ۵۴۸,۴۸۴,۳۷ ریال * رشته و رتبه مورد نیاز : رشته آب با حداقل رتبه ۵

اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گزار جهت دریافت اطلاعات بیشتر و ارائه پاکتها : «الف :

بجنورد،خیابان ۱۷ شهریور جنوبی،کوچه عصر،پلاک ۴۰

شماره تماس : ۳۲۴۲۴۷۸۴-۳۲۴۲۴۷۸۱ (۰۵۸) داخلی ۱۲۳ و ۱۲۴

اطلاعات تماس پشتیبانی سامانه ستاد : ۴۱۹۳۴ – ۰۲۱